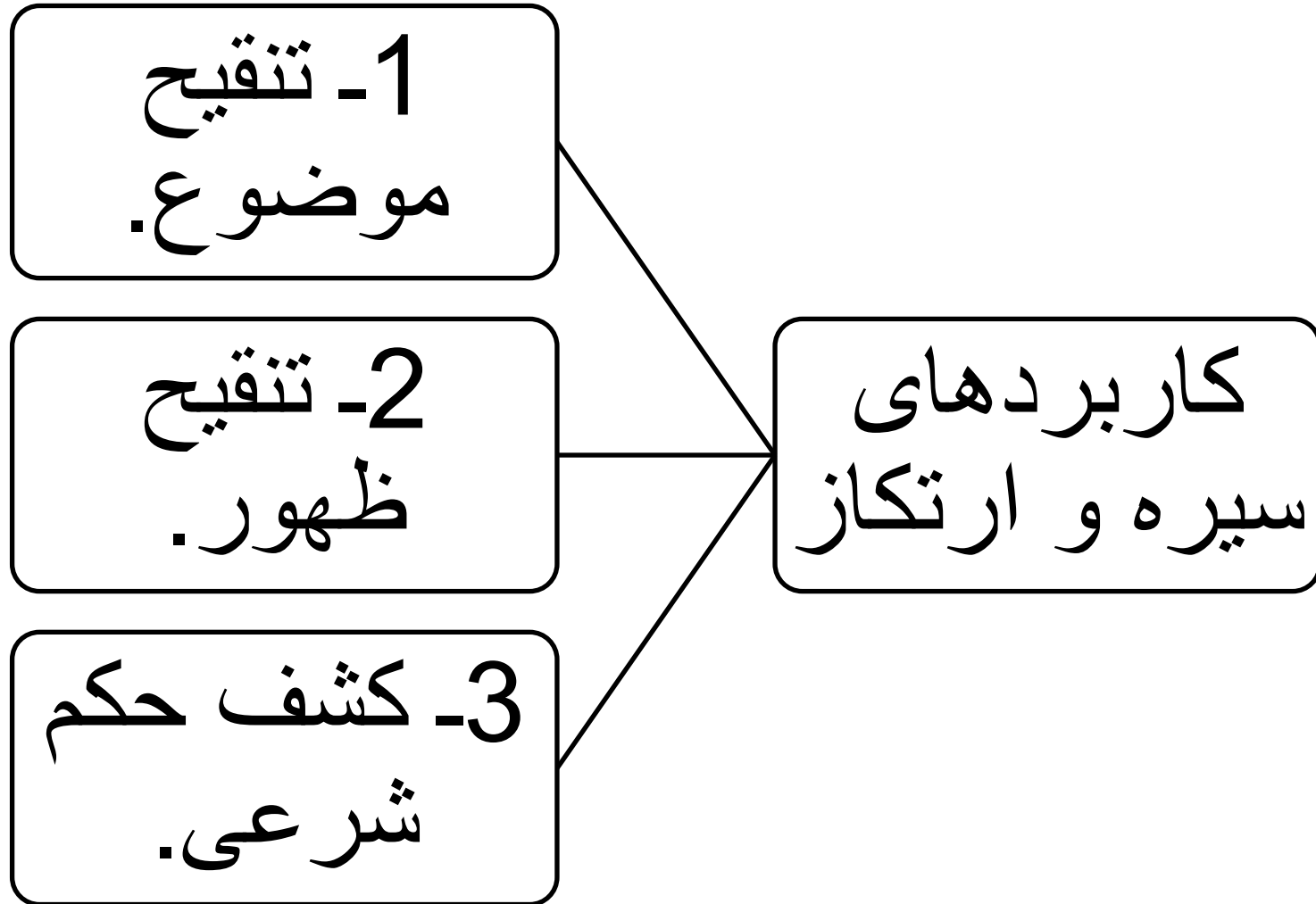


علم أصول الفقه

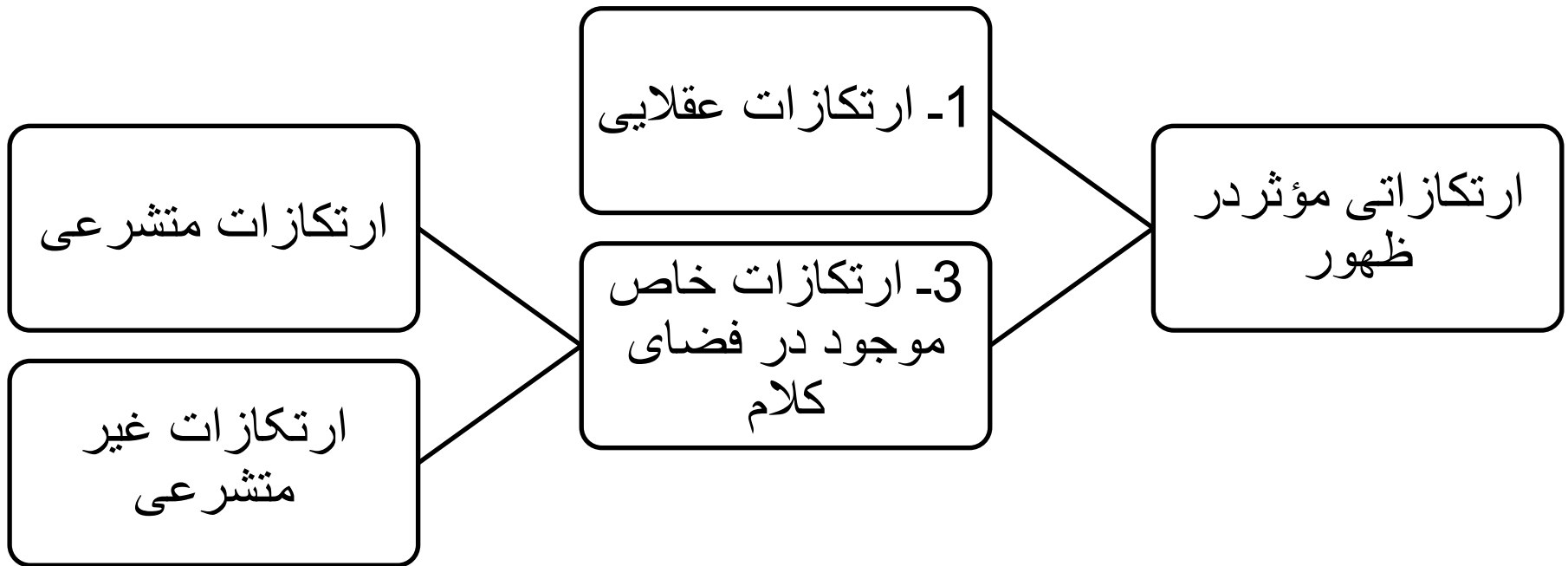
۲۷-۱۱-۹۲ حجیت سیره و ارتکاز ۵۴

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

کاربردهای سیره و ارتکاز



انواع ارتکازات مؤثر در ظهور



نظریة آیت الله بروجردی درباره روایات

- آیت الله بروجردی - رضوان الله تعالى عليه - در بحث های فقهی به فضای فکری زمان معصومین - علیهم السلام - را توجه داشتند. شاید در فقها کسی که بیش از همه به این نکته توجه کرده است، ایشان باشد.

نظریة آیت الله بروجردی درباره روایات

- مبنای معروف منحصر به فرد ایشان این است که وقتی می‌خواهیم روایتی از ائمه - علیهم السلام - را تفسیر کنیم و یک مطلب فقهی را از کلمات ایشان به دست بیاوریم، باید فتوای مشهور و شناخته شده فقهای زمان ائمه را که معمولاً هم غیر شیعه هستند، را احراز کنیم؛ چون ائمه - علیهم السلام - در فضایی احکام را می‌گفتند که جو غالب، فقه آنها بوده است و حتی راویان شیعه هم تحت تأثیر همان دیدگاهها قرار داشتند.

نظریة آیت الله بروجردی درباره روایات

- به همین دلیل بعضی این تعبیر را از ایشان نقل می‌کنند که روایات اهل بیت - علیهم السلام به منزلة تعلیقه‌ای بر فتاوی مشهور فقها در زمان خودِ ائمه - علیهم السلام - است.

نظریة آیت الله بروجردی درباره روایات

- می توان این بحث ایشان را به بحث ما ارجاع داد؛ یعنی آن فتاوی مشهور فقها یک ارتکاز بین مسلمانان ایجاد می کرد و ائمه - علیهم السلام - در فضای همان ارتکاز این مطالب را بیان می کردند.

نظریة آیت الله بروجردی درباره روایات

- بیشترین تأثیر که این بحث ایشان دارد و خودشان هم به همین توجه بیشتری داشتند، تأثیرش در تنقیح ظهور کلام معصومین - علیهم السلام - است.

نظریة آیت الله بروجردی درباره روایات

- به همین سبب می فرمودند وقتی می خواهید یک روایت را تفسیر کنید باید جو غالب فقهی یا فکری زمان معصوم - علیه السلام - را بشناسید تا بفهمید مقصود معصوم - علیه السلام - از این عبارات و الفاظ چیست. این کار در واقع کشف ارتکازات زمان نص است. و چون می فرمودند روایات ائمه - علیهم السلام - به منزلة تعلیقه بر فتوای مشهور در زمان خود ائمه است، اگر در جایی هیچ روایتی وارد نشده باشد، معلوم می شود نظر معصومین - علیهم السلام - همان نظر مشهور فقها بوده است.

نظریة آیت الله بروجردی درباره روایات

- به عبارت دیگر نظر معصومین - علیهم السلام - مثل تعلیقه عروه الوثقی است که وقتی یک مرجع تقلیدی بر یک مسأله ای در عروه تعلیقه نمی زند، معنایش این است که نظرش همان نظر صاحب عروه است.

نظریه آیت الله بروجردی درباره روایات

- بر اساس همین مبنا آیت الله بروجردی در مسائلی که فقهای اهل سنت در آن اتفاق نظر دارند و خلافت از ائمه - علیهم السلام - نقل نشده است، به فتوای همان فقهای اهل سنت ملتزم بودند یا لا اقل احتیاط می کردند. این روش ایشان در واقع کشف حکم شرعی از طریق یک ارتکاز یا سیره زمان معصوم - علیه السلام - است؛ گرچه از قبیل سیره و ارتکاز عقلایی یا متشرعی به اصطلاح ما نیست؛ یعنی منشأش خود شارع نیست، بلکه متشرعة زمان معصوم - علیه السلام - در اثر فتاوا این ارتکاز و سیره را داشتند.

۳- نقش سیره و ارتکاز در کشف احکام شرعی

- کاربردی که بیشتر در اصول مورد نظر است، همین کاربرد است. در این کاربرد از سیره یا ارتکاز به عنوان دلیل بر حکم شرعی استفاده می‌کنیم.

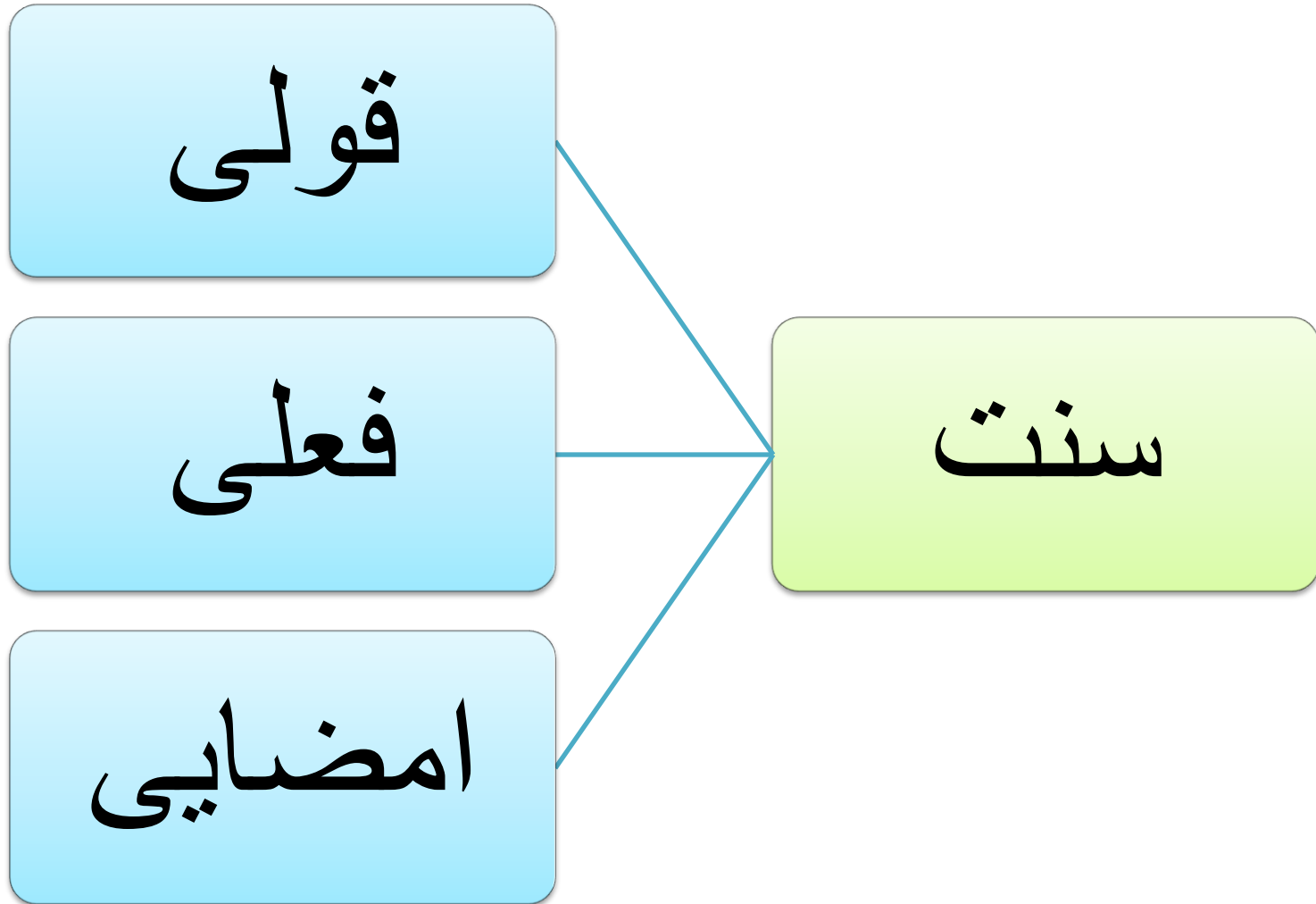
عرف کاشف سنت

- بعضی‌ها گمان کرده‌اند این سخن که منابع دین کتاب، سنت، عقل و اجماع است، صحیح نیست؛ زیرا ما چیزهایی داریم که نه کتاب است، نه سنت، نه عقل و نه اجماع و که مقصودشان همین ارتکازات و سیره‌ها است.

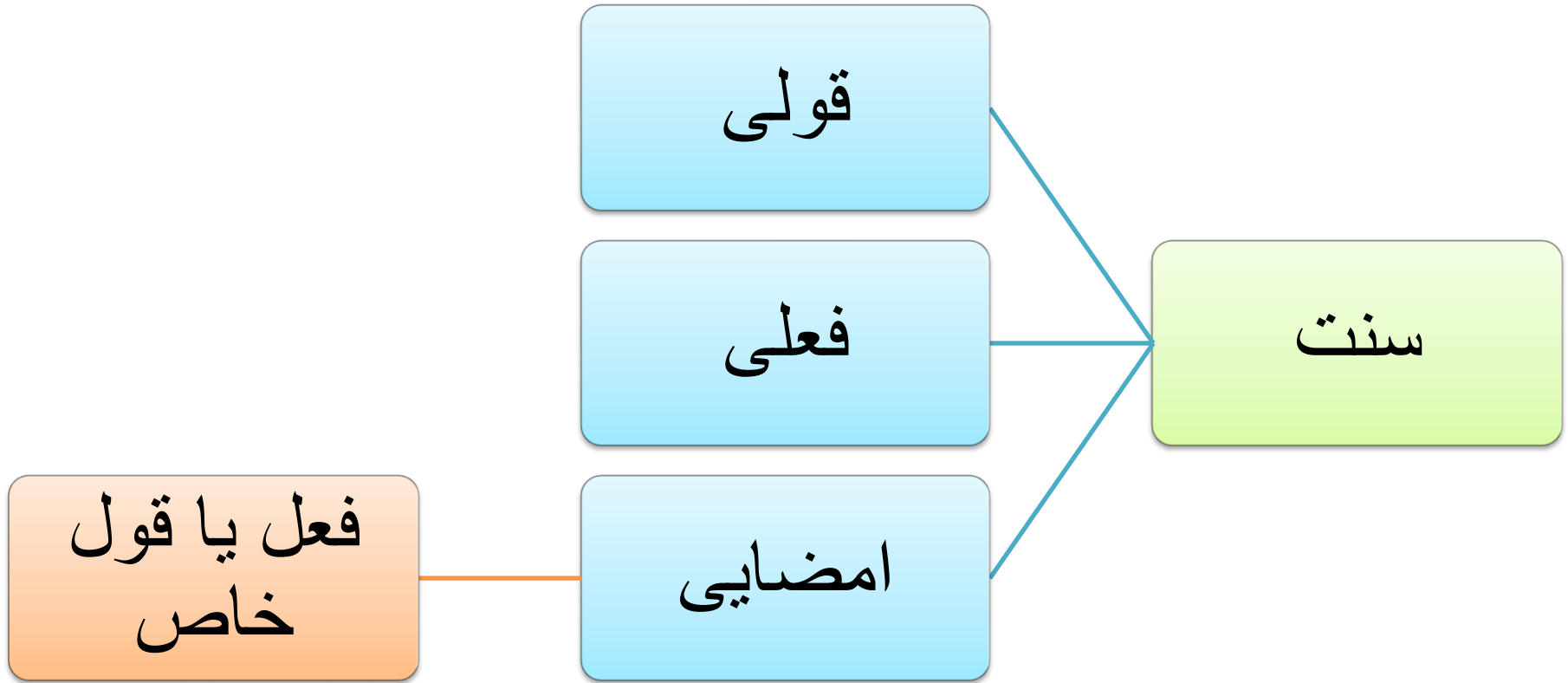
عرف کاشف سنت

- نکته‌ای که شهید صدر - رضوان الله تعالی علیه - بر آن تأکید دارد و همه اصولی‌ها و فقها آن را پذیرفته‌اند، این است که **سیره و ارتکاز** یا همان **عرف** منبع مستقلی در کنار سایر منابع دین نیست.
- منبعیت عرف فقط از جهت کاشفیت نسبت به سنت است. اگر این خصوصیت را از دست داد، هیچ ارزشی ندارد.
- این همان مطلبی است که در تعابیر فقها از جمله شیخ انصاری - رضوان الله تعالی علیه - با این تعبیر بیان می‌شود که ما مقلد عرف یا عقلا نیستیم.

میزان احتمال تأثیر موقعیت



میزان احتمال تأثیر موقعیت



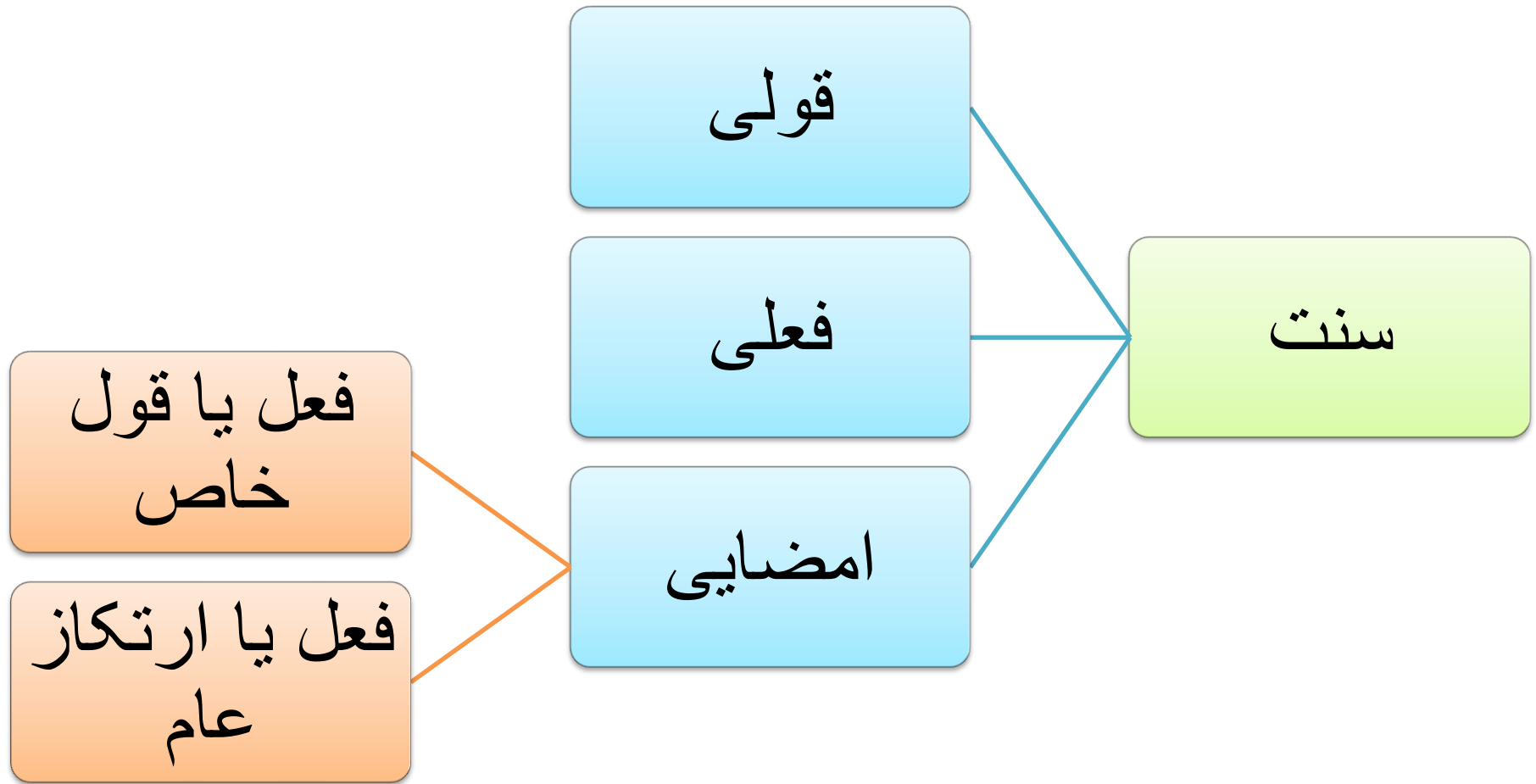
عرف کاشف سنت

- اشاره کردیم که سنت عبارت است از قول، فعل و تقریر معصوم -
علیه السلام - و گفتیم تقریر دو مصداق دارد:
- یک مصداق آن است که کسی مطلبی را در مقابل معصوم - علیه
السلام - بیان کند و حضرت آن را تأیید کند؛
- مثل عبدالعظیم حسنی - رضوان الله تعالی علیه - که اعتقادات خود
را بر امام هادی - علیه السلام - عرضه می‌کند و امام - علیه السلام
- می‌فرمایند همین است که می‌گویید.
- این کار، تقریر سخن او است.

عرف کاشف سنت

- یا اینکه شخصی در مقابل امام - علیه السلام - کاری را انجام دهد؛ مثلاً وضو بگیرد. سپس حضرت با بیان یا سکوت خود کار وی را تأیید کنند. این برخورد حضرت تقریر فعل او است.

میزان احتمال تأثیر موقعیت



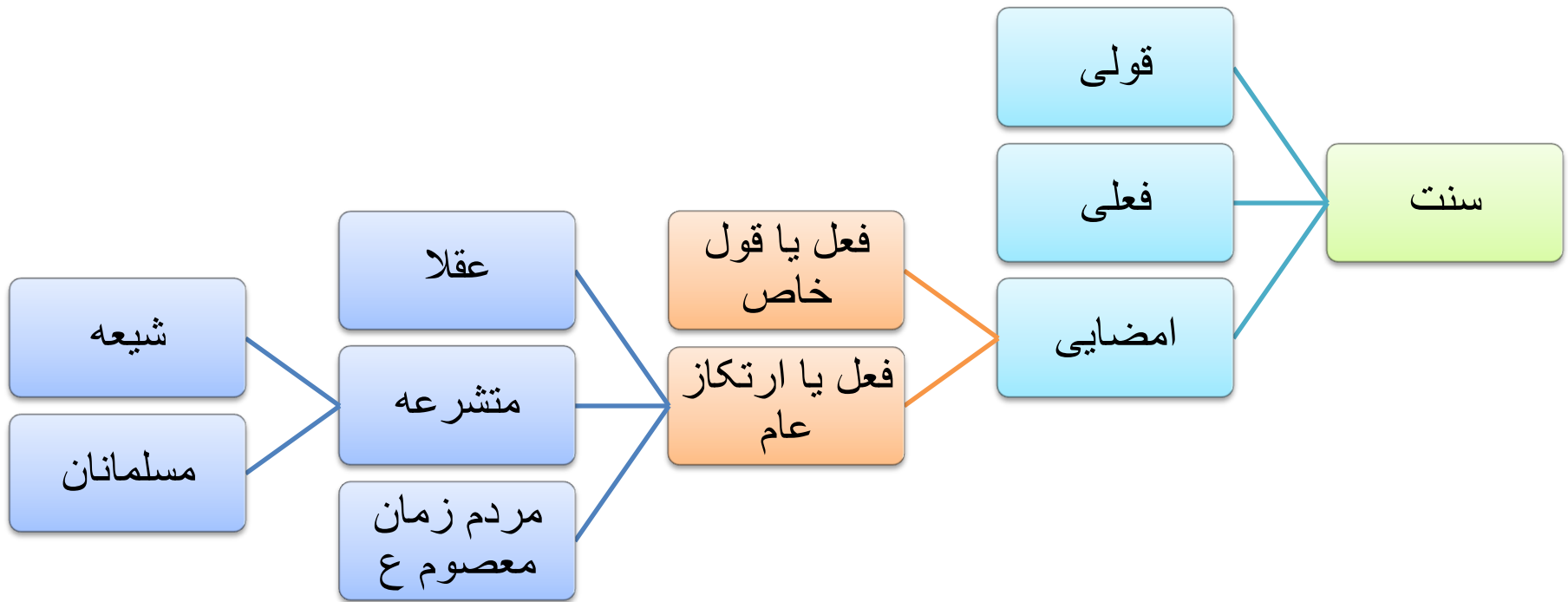
عرف کاشف سنت

- این نوع تقریرهای خاص که حضرت فعل یا قول خاصی را امضاء کند، زیاد نیست. مواردی هم که در منابع روایی ما وجود دارد، معمولاً تقریر گفتار است.
- مصداق دیگر و مهم تقریر، تقریر عام است که معصوم - علیه السلام - رفتاری را که همه انجام می دهند (سیره) یا مطلبی را که همه به آن باور دارند (ارتکاز) تأیید می کند.

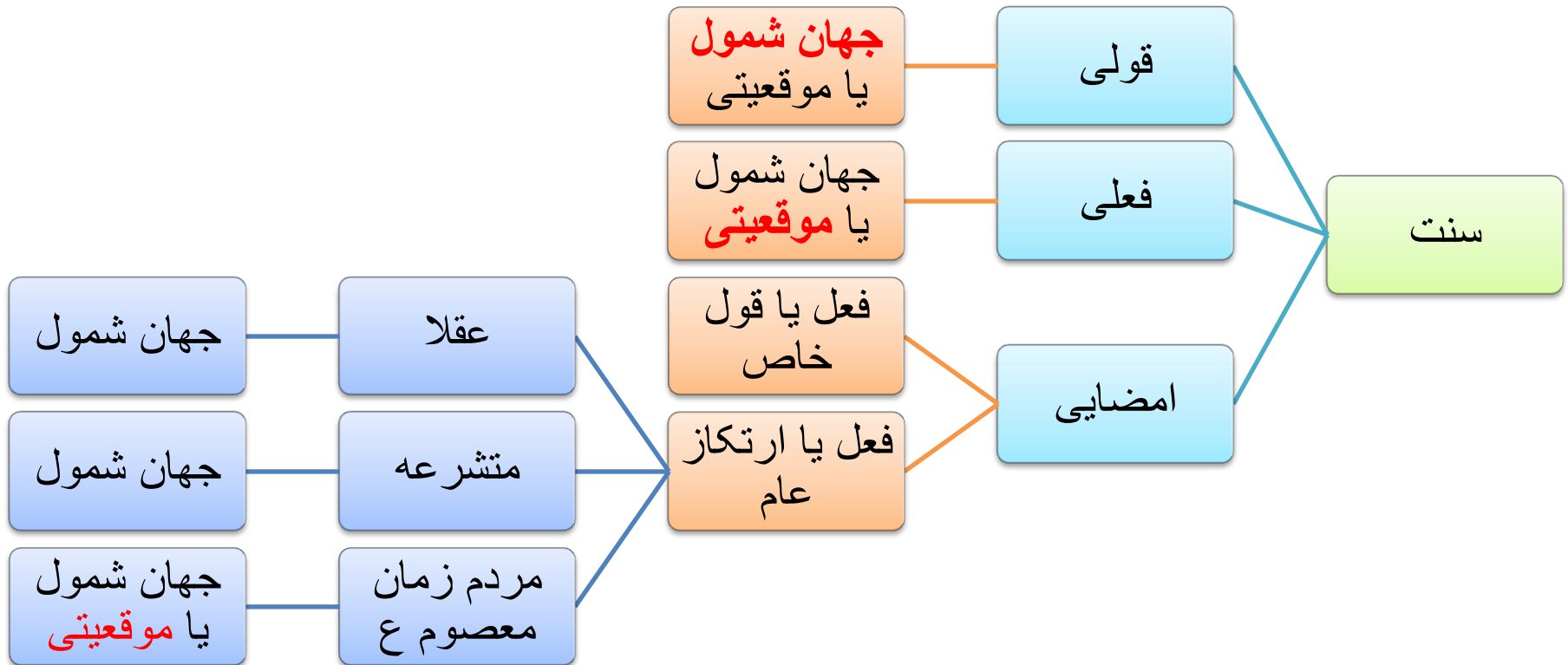
عرف کاشف سنت

- بنابراین این امضای شارع از مصادیق تقریر است. به همین دلیل می‌گوییم در سیره و ارتکازی که می‌خواهیم با آن حکم شرعی را اثبات کنیم، به امضاء نیاز داریم و عدم ردع از آن جهت مطرح است که کاشف از همین امضاء است.

میزان احتمال تأثیر موقعیت



میزان احتمال تأثیر موقعیت



۳- نقش سیره و ارتکاز در کشف احکام شرعی

- استفاده از سیره و ارتکاز در کشف احکام شرعی گاهی به حوزه احکام **واقعی** و گاهی به حوزه احکام **ظاهری** مربوط می‌شود.
- معمولاً کاربردهای سیره و ارتکاز در **فقه احکام واقعی** و در اصول به احکام **ظاهری** ارتباط دارد؛

۳- نقش سیره و ارتکاز در کشف احکام شرعی

- مثلاً در فقه می‌گوییم سیره و ارتکاز عقلاً بر این است که اگر کسی یک مباح اصلی را حیازت کرد، مالک آن خواهد شد.
- مثال دیگر بحث خیار غبن است. به این شکل که در سیره عقلاً اگر مالیت دو شیء که معامله شده‌اند، با همدیگر متوازن نباشد از نظر عقلاً به یک طرف مغبون شده‌است. بر اساس سیره و ارتکاز عقلاً طرفی که مغبون شده حق دارد این معامله را فسخ کند.

۳- نقش سیره و ارتکاز در کشف احکام شرعی

- در این استدلال اصلاً کاری به «المؤمنون عند شروطهم» و از این قبیل ادله نداریم.
- خود ارتکاز و سیره عقلاً بر این است که در معامله طرف مغبون حق فسخ (خیار غبن) دارد و شرع این ارتکاز و سیره را پذیرفته است.

۳- نقش سیره و ارتکاز در کشف احکام شرعی

- این بیان برای اثبات «خیار غبن» با بیان گفته شده در بحث تنقیح اثباتی موضوع متفاوت است. در آنجا گفتیم «المؤمنون عند شروطهم» دلالت دارد بر اینکه مؤمنین باید به شرایط صریح و ضمنی در قراردادها ملتزم باشند و ارتکاز عقلا می‌گوید هر عاقلی در هنگام معامله‌ای به صورت ضمن شرط می‌کند که مالیت دو طرف معامله متوازن باشد. بنابراین اگر این تعادل به هم بخورد عرف این را خلاف شرط می‌داند و به اقتضای «المؤمنون عند شروطهم» چون تخلف در شرط شده‌است، شخص حق خواهد داشت معامله را فسخ کند.

۳- نقش سیره و ارتکاز در کشف احکام شرعی

- مقصود از حکم واقعی حکم شیء فی نفسه است نه حکم شیء در فرض عدم علم به حکم واقعی.
- در این دو مثالی که بیان شد، سیره و ارتکاز در مقام کشف حکم واقعی به کار رفته است؛ نظیر جایی است که یک آیه یا روایت دلالت کند که حیا ازت عامل مالکیت است.

۳- نقش سیره و ارتکاز در کشف احکام شرعی

- گاهی سیره و ارتکاز برای استدلال بر حکم ظاهری به کار می‌رود؛ برای مثال می‌گوییم ظهور حجت است؛ چون سیره و ارتکاز بر حجیت آن قائم شده و شارع این سیره و ارتکاز را پذیرفته است.
- در حجیت خبر واحد هم همین‌طور استدلال خواهیم کرد.

۳- نقش سیره و ارتکاز در کشف احکام شرعی

- حجت در اینجا یعنی آنچه به آن احتجاج می‌شود و اثرش این است که اگر حجت مطابق با واقع باشد، واقع را بر ما منجز می‌کند و اگر مخالف واقع باشد و ما به آن عمل کنیم، برای ما عذر است.

۳- نقش سیره و ارتکاز در کشف احکام شرعی

- در هر حال نمی‌دانیم این حجت مطابق با واقع هست یا نه. بنابراین حجیت ظهور یا خبر واحد در فرض عدم علم نسبت به واقع مطرح می‌شود و گرنه در صورتی که واقع را بدانم ظهور یا خبر واحد هیچ نقشی نخواهد داشت؛

۳- نقش سیره و ارتکاز در کشف احکام شرعی

- مانند اینکه اگر می‌دانم واقعاً خمر حرام است و بعد در عبارت شارع ظاهری پیدا شود که دلالت کند که خمر حلال است، این ظهور برای من حجیتی ندارد و باید آن را تأویل و بر خلاف ظاهر حمل کرد؛ مثلاً بگوییم مقصود از خمر در آن ظاهر، خمری نیست که ما یقین داریم حرام است.

۳- نقش سیره و ارتکاز در کشف احکام شرعی

- به طور کلی حجیت امارات منوط به عدم علم به واقع است و بعد از علم به واقع دیگر مجالی برای اعتبار آنها باقی نمی ماند.
- بنابراین حجیت، یک حکم ظاهری در فرض عدم علم به واقع است و در صورت علم به واقع اصلاً بحث حجیت مطرح نیست.